

مقایسه اضطراب مرگ و امید به زندگی در افراد مبتلا به اسکروز جانبی آمیوتروفیک و افراد سالم

مهرداد شیرکوند^۱

^۱ دانشجوی دکتری حرفه‌ای، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران mehرداد_shirkavand@yahoo.com

چکیده

فرد به وجود نخواهد آمد و جالب این که اعصاب حرکتی مؤثر در حرکت چشم‌ها و مثانه برای مدت‌های طولانی از حمله عامل بیماری مصون خواهند ماند. بررسی یک نوع امضا یا اثر انگشت مولکولی مشترک با استفاده از فناوری نانو، تشخیص بیماری اسکروز جانبی آمیوتروفیک را در دو حالت ارثی و غیرارثی امکان‌پذیر می‌سازد. بر اساس پژوهش‌ها افراد مبتلا به بیماری اسکروز جانبی آمیوتروفیک نسبت به سایر بیماری‌ها شانس بالاتری برای مرگ زودرس ناشی از بیماری اسکروز جانبی آمیوتروفیک دارند (تیرولا، کورهونن، سوراکا و لهتو، ۲۰۱۷).

امید به زندگی به زندگی شامل مجموعه‌ای از شرایط شامل دارا بودن اهداف ارزشمند شخصی و ادراک توانایی برای تولید راهبردها در تعقیب اهداف است. امید به زندگی را به عنوان سازه‌ای شامل دو مولفه مفهوم سازی شده است. توانایی طراحی گذرگاه‌هایی به سوی هدف‌های مطلوب به رغم موانع موجود و کارگزار و انگیزش برای استفاده از این گذرگاه‌ها. طبق این مفهوم سازی، امید به زندگی هنگامی نیرومند است که هدف‌های ارزشمندی را در برگیرد و با داشتن موانع چالش انگیز، احتمال دستیابی به آنها در میان مدت وجود داشته باشد (اشنایدر و فلدمن، ۲۰۰۵). امید توانایی باور داشتن احساسی بهتر، در آینده می‌باشد که پس از بحران‌ها آرامش را به فرد باز می‌گرداند. امید توانایی طراحی گذرگاه‌هایی به سوی اهداف مطلوب به رغم موانع موجود و عامل انگیزش لازم برای استفاده از این گذرگاه‌ها است (اشنایدر و لویز، ۲۰۱۰). امید به عنوان یک عامل مؤثر برای مقابله با موقعیت‌های چالش برانگیز می‌تواند موجب تقویت اعتماد به نفس در افراد شود (ویسمن و هفلیک، ۲۰۱۶). از طرفی اسکروز یکی از بیماری‌های شایع سیستم عصبی مرکزی است که بیشتر جوانان را گرفتار می‌کند. شیوع اضطراب در این بیماران بالا است (حسن زاده، زارعی و شیخ، ۱۳۹۳). اضطراب به عنوان یک واکنش در مقابل محرک‌های تنش‌های خارجی، موجب کاهش واکنش فرد در قلمرو اجتماعی، روان شناختی، جسمانی و تحصیلی می‌شود و نارضایتی تحصیلی، حرفه‌ای، کاهش تولید، افزایش خطا، تنزل در سطح قضاوت و کندی زمان واکنش را به دنبال دارد (جوزف، ویلیامز، باومن، کوینگ و تایر، ۲۰۱۶). اضطراب مرگ به عنوان ناراحتی توأم با ترسی که معطوف به مرگ خود یا دیگران است و با در نظر گرفتن مرگ به عنوان پایان حیات یا تجسم مراسم تدفین و جسد برانگیخته می‌شود، تعریف می‌شود (فیرستون و کنتل، ۲۰۰۹).

هدف از انجام پژوهش مقایسه اضطراب مرگ و امید به زندگی در افراد مبتلا به اسکروز جانبی آمیوتروفیک و افراد سالم بود. روش تحقیق از نوع علی-مقایسه‌ای است. جامعه آماری مورد مطالعه در این پژوهش افراد مبتلا به اسکروز جانبی آمیوتروفیک و افراد سالم شهر تهران در سال ۱۳۹۶ را تشکیل دادند. ۳۰ نفر زن مبتلا به اسکروز جانبی آمیوتروفیک و ۳۰ نفر فرد غیر مبتلا به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب و بر اساس سن، جنس و تحصیلات هم‌سازی شدند. از پرسشنامه‌های اضطراب مرگ بلسکی و امید به زندگی اشنایدر استفاده شد. داده‌ها با تحلیل واریانس چند متغیره تجزیه و تحلیل شده است. نتایج نشان داد که بین اضطراب مرگ و امید به زندگی و مولفه‌های آن در افراد مبتلا به اسکروز جانبی آمیوتروفیک و افراد سالم تفاوت معنی‌داری وجود دارد. در مجموع می‌توان گفت اضطراب مرگ و مولفه‌های آن در افراد مبتلا به اسکروز جانبی آمیوتروفیک بیشتر از افراد سالم است، در حالی که امید به زندگی در افراد مبتلا به اسکروز جانبی آمیوتروفیک پایین‌تر از افراد سالم است.

واژه‌های کلیدی

اضطراب مرگ، امید به زندگی، اسکروز جانبی آمیوتروفیک.

مقدمه

اسکروز جانبی آمیوتروفیک یک بیماری عصبی پیشرونده است که سبب زوال تدریجی سلول‌های عصبی‌ای می‌شود که وظیفه کنترل حرکت ماهیچه‌ها را به عهده دارند. با پیشرفت بیماری، افراد مبتلا رفته‌رفته توانایی کنترل حرکت ماهیچه‌هایشان را از دست می‌دهند. به عبارت دیگر، با مرور زمان فرد مبتلا آرام‌آرام توانایی‌های حرکتی خود را از دست می‌دهد. البته توانایی تفکر و حافظه این افراد معمولاً تحت تاثیر این بیماری قرار نمی‌گیرد. بروز بیماری دونفر در هر صد هزار نفر می‌باشد و اغلب افراد بین چهل تا شصت سال را درگیر می‌سازد. بیماری ماهیت پیشرونده دارد و اغلب بیماران بعد از دو تا پنج سال فوت می‌کنند ولی گاه دوره‌های توقف بیماری وجود دارد؛ که باعث می‌شود ۱۰ درصد از بیماران تا ۱۰ سال زنده بمانند. از آنجایی که این بیماری تنها به اعصاب حرکتی آسیب می‌رساند، بنابراین هیچ اختلالی در بینایی، بساواپی، شنوایی، چشایی و بویایی